

## متن پرسش

سلام علیکم: شخصی به نام محمد علی اکبری که خارج از ایران است و احتمالاً شما هم می شناسید و از جریانانش با خبرید مدعی است که انرژی درمانی می کند و مراجعات بسیار زیادی به وی می شود، از نابینا و ناشنوا بگیرد تا معلول جسمانی. این فرد طی یک برنامه ریزی با بیماران خود هماهنگی می کند و آنها را در یک کشور جمع آوری و نسبت به مداوای آنها اقدام می کند. مثلاً اخیراً به ارمنستان آمده بود و دایی یکی از دوستان بنده بدلیل یک عمل ناموفقی که در ایران باعث شد هر دو چشمش کور شود و کلیه هایش از کار بیفتد، به ارمنستان رفت و طی هفت جلسه، انرژی درمانی شد. علی اکبری که به او دکتر می گویند بعد آن هفت جلسه که هر روز ۲ ساعت انجام می شد ادعا کرد که بعد از سه ماه بینایی به چشمتان باز می گردد و کلیه ها دوباره شروع به کار می کنند و حتی مدعی شد که ۱ ماه بعد از انرژی درمانی با مراجعه به آزمایشگاه و صحت تست فعالیت کلیه ها می تواند داروهایش را هم نیز کنار بگذارد. همین بیمار از حال و هوای فضای انرژی درمانی می گوید و عنوان می کند که در زمان انرژی درمانی او دستهایش را نزدیک چشمانم کرد و آنقدر گرما داشت که صورتش به سختی این گرما را تحمل می کرد. الان هم بیمار مدعی است که سایه ی اجسام را می بیند و هنوز قادر به رویت خود اجسام نیست و هنوز ۱ ماه نمی شود که از این دیدار می گذرد. نکته دیگر اینکه این بیمار فیلم هایی را از مداوای بیماران آورده که مثلاً یه فردی که فلج بوده، بعد از طی جلسات انرژی درمانی از ویلچر خود بلند شده و راه رفته است و یا خود دکتر علی اکبری در همان جا که برای بیماران سخنرانی می کرد، مدعی شد که در جریان دستگیری در ایران، یکی از قضات مسؤل در پرونده این شخص، یکی از پاهایش می لنگید که با انرژی درمانی مداوا یافت. ( راست و یا دروغش به گردن راوی). حال سوال بنده اینست که انرژی درمانی از لحاظ اسلام مورد تأیید است؟ و اگر نیست چرا؟ و آیا این نوع قدرت می تواند شیطانی باشد یا نه؟ و در مجموع اسلام رفتن به سمت این گونه معالجات را تایید می کند یا رد؟ لازم است عنوان کنم که همین مریض مورد نظر اولاً، کاملاً در دسترس است و مطالب نقلی نیست و عیناً مشاهده شده و ثانیاً، مریض مورد نظر، تقریباً از تمام دکتر های مطرح کشور جواب منفی شنیده و هیچ کدام امیدی به معالجه از راه علم پزشکی نداشتند. راهنمایی بفرمائید.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی در این مورد در کتاب «جایگاه جنّ و شیطان و جادوگر» شده است. که عیناً از صفحه ۶۱ آن نکته‌ای را که در این مورد بحث شده، خدمتتان ارسال می‌دارم. در

ضمن به عرض برسانم که این نوع انرژی درمانی که می‌فرمایید از نظر شرعی حرام نمی‌باشد.

انرژی درمانی هم یک نوع هیپنوتیزم است. اگر کسی دستش طوری درد می‌کند که نمی‌تواند بالا بیاورد، در واقع نفس او اراده‌های قوی در حرکت دادن دستش ندارد در نتیجه دست او ضعیف شده و متقابلاً اراده او برای مقابله با ضعف دست او نیز ضعیف شده است و لذا نمی‌تواند دست خود را بالا بیاورد. حالا فردی که با تمرکز می‌تواند اراده خود را به او منتقل کند، به شخص القاء می‌کند که تو می‌توانی دست خود را بالا بیاوری، و این تصور را در خیال او تثبیت می‌کند. اگر نفس او این تلقین را پذیرفت، دست خود را بالا می‌آورد، و اگر درمان درد او به این است که چند روز دستش را تکان بدهد، تکان می‌دهد و بعد هم که این خیال رفت، چون چند روز دست خود را تکان داد، دستش خوب می‌شود، ولی تأثیر هیپنوتیزم در همان چند روز بود، بقیه مربوط به بدن خود اوست. طرف مقابل پذیرفته که سردرد دارد، با هیپنوتیزم به او القاء می‌کنی نه تو سرت درد نمی‌کند، چون از اول سر درد او به ذهن و خیال او مربوط بود، اگر پذیرفت سردردی نیست، سردردش خوب می‌شود. چیزی که بعضی مواقع خود شما با نصیحت به طرف القاء می‌کنید، حال اگر طرف توانست بپذیرد، نتیجه می‌گیرد. بشر با انتقال خیال، مسئله‌ای را که اصل آن خیالی بوده است می‌تواند تغییر دهد. نوع دیگری از انرژی درمانی هست که با هیپنوتیزم فرق می‌کند، از آنجایی که نفس بعضی از افراد تکویناً و به صورت خدادادی قدرت انتقال دارد، می‌توانند اراده و توانایی خود را به دیگری منتقل نمایند. شما می‌بینید یکی قدش بلند است و دیگری کوتاه، یکی هوشش زیاد است و دیگری کم، به بعضی‌ها هم خداوند توانایی‌هایی می‌دهد که خود آنها حتی در ابتدا نمی‌دانند چنین توانایی‌هایی دارند. نفس طرف این توانایی را دارد که بتواند توانایی‌های نفس خود را به فرد دیگری منتقل کند. لذا اگر الآن بنده دستم را نمی‌توانم بالا بیاورم با انتقال توانایی شخصی که توانایی انتقال قدرت نفس خود را به من دارد، ممکن است بتوانم این کار را بکنم. بستگی دارد که بنده چقدر برایم امکان دارد توانایی‌های القاء شده را بگیرم. البته قدرت نفس آن شخص هم که قدرت خود را انتقال می‌دهد در این امر نقش دارد، به همین جهت همه به یک اندازه شفا نمی‌یابند. بعضی‌ها هم مشکلشان بیش از اینهاست و به همین جهت اصلاً درمان نمی‌شوند. اگر آن نفس، قدرت طرف مقابل را گرفت و از آن متأثر شد، خودش آن را ادامه می‌دهد و آرام آرام با اراده‌هایی که اعمال می‌کند، درمان می‌شود. در مورد انبیاء الهی و ائمه معصومین علیهم السلام موضوع شفا دادن فرق می‌کند، قلب آنها مظهر اسماء الهی است، حال اگر مصلحت بدانند اسم خاصی را که مناسب رفع مشکل طرف است القاء می‌کنند و مشکل حل می‌شود. حضرت عیسی (ع) مظهر اسم حناند و لذا مرده را زنده می‌کنند. حضرت پروردگار در این امور به واسطه ی ذات مقدس حضرت عیسی (ع) بر روح و روان طرف جلوه می‌کند. موفق باشید